

●●● صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی ●●●
(روایتی از یک تغییر)

مؤلف: عباس رحیمی

"تقدیم به زنان روستایی مناطق محروم میهنم که قهرمانان این روایتند."

سرشناسه	: رحیمی، عباس، ۱۳۳۸ اردیبهشت -
عنوان و نام پدیدآور	: صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی (روایتی از یک تغییر)/مولف
مشخصات نشر	: عباس رحیمی؛ ویراستار مرضیه سلیم‌پور.
مشخصات ظاهری	: تهران: فرقلم، ۱۳۹۳.
شابک	: ۱۲۰ ص: مصور (سیاه و سفید).
وضعیت فهرست نویسی	: ۷۰۰۰۰ ریال: ۱-۵-۹۴۶۵۴-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت	: فیبا
موضوع	: کتابنامه.
موضوع	: اعتبار روستایی
موضوع	: امور مالی خرد--ایران
موضوع	: زنان روستایی--ایران
موضوع	: زنان در توسعه--ایران
رده بندی کنگره	: HG ۲۰۵۱ الف/۳۱۳۹۳۹ ر
رده بندی دیویی	: ۳۳۲/۷۱۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۹۳۱۲۷

مولف: عباس رحیمی

ناشر: انتشارات فرقلم

ویراستار: مرضیه سلیم‌پور

طراحی جلد و صفحه آرایی: بهاره انوری

تصویر روی جلد: دنیای اقتصاد شماره ۱۶۹۹

لیتوگرافی و چاپ: ایران گرافیک

صحافی: معراج

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه - قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۱-۵-۹۴۶۵۴-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 5-1-94654-600-978

انتشارات فرقلم

تهران: بلوار فرحزادی، کوچه ناخدااهمندی، پلاک ۳۰

کد پستی: ۱۴۶۶۹ - ۳۷۶۵۱

تلفن: ۸۸۳۷۸۲۴۱

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
	فصل اول چگونه ایده اعتبارات خرد در مرکز تحقیقات روستایی شکل گرفت
۱۶	مرکز تحقیقات روستایی و پژوهش های مشارکتی
۲۲	تشکیل هسته مطالعات اولیه اعتبارات خرد در مرکز تحقیقات روستایی
	فصل دوم نحوه انتخاب و اجرای اولین نمونه آزمایشی اعتبارات خرد
۲۹	نحوه انتخاب روستای فیروزجاه بابل برای تشکیل صندوق اعتبارات خرد
۳۳	اولین تجربه اعتبارات خرد در روستای فیروزجاه بابل
۳۸	نحوه ورود به روستا و جلب همکاری اعضا روستا
۳۹	اولین جلسه با زنان روستایی در روستای فیروزجاه بابل
۴۲	باز سازی خانه ترویج به کمک مردم محلی
۴۴	تشکیل جلسات صندوق اعتبارات خرد با حضور زنان روستایی
۵۱	ارائه آموزش های مشارکتی به تمامی اعضا صندوق
	فصل سوم تجربه صندوق های اعتبارات خرد در روستاهای میانکوه
۶۹	چگونه الگوی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی توسعه پیدا کرد
۷۱	نحوه راه اندازی صندوق های اعتبارات خرد در روستاهای میانکوه
	فصل چهارم تجربه تشکیل صندوق اعتبارات خرد در روستای عباس آباد دیناران
۸۸	وضعیت اجتماعی و اقتصادی روستای عباس آباد
۹۰	نحوه راه اندازی صندوق های اعتبارات خرد در روستای عباس آباد دیناران
۹۷	پیوست یک اخبار صندوق های اعتبارات خرد در آینه رسانه های خبری

پیوست دوم	اساسنامه صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی	۱۰۸
مأخذ		۱۱۹

فهرست تصاویر

تصویر ۱-	نمایی از جاده روستاهای بندپی بابل	۳۴
تصویر ۲-	جاده منتهی به روستای فیروزجاه در منطقه بندپی	۳۷
تصویر ۳-	برگزاری انتخابات هیئت مدیره صندوق اعتبارات خرد	۴۶
تصویر ۴-	کارگاه آموزشی صندوق اعتبارات خرد برای زنان روستایی	۵۵
تصویر ۵-	نمایی از گذار جاده میانکوه	۷۱
تصویر ۶-	بازپرداخت وام توسط اعضا صندوق اعتبارات خرد روستای سرزرد	۷۷
تصویر ۷-	جلسه انتخاب سرگروه در روستای عباس آباد دیناران	۹۲
تصویر ۸-	نحوه دریافت وام زنان عشایر در روستای عباس آباد دیناران	۹۳
تصویر ۹-	فعالیت تولیدی یکی از زنان عضو صندوق عباس آباد	۹۵

پیشگفتار:

صاحب نظران توسعه بر این باورند که توسعه یک مسیر است نه مقصد، فرایندی است تدریجی و مداوم، امری است پویا که در یک بستر شکل می گیرد و با دستورالعملی واحد نمی توان آن را از منطقه ای به منطقه دیگر منتقل نمود. در این رویکرد مردم به عنوان عامل اصلی توسعه در دستیابی به اهداف آن اهمیت ویژه ای دارند و تنها به عنوان ذی نفع محسوب نمی شوند، بلکه به عنوان افرادی فعال، شریک و تصمیم ساز ایفای نقش می کنند. به این ترتیب توسعه راهی است که براساس خواست مردم و با تکیه بر تجارب و توانمندی های آن ها و آگاهی از نیازها و تمایلات شان آغاز می شود.

با توجه به این تعریف از توسعه که حوزه مفهومی نوینی را در الویت بخشی به مشارکت مردم و جوامع محلی می گشاید، دفتر امور زنان روستایی و عشایری در سال ۱۳۷۹ اقدام به برنامه ریزی، تدوین و اجرای پروژه های متعددی نمود. در این میان، پروژه اعتبارات خرد برای توان افزایی زنان روستایی و عشایری در این دفتر جایگاه ویژه ای دارد. اگر چه هدف اصلی از اجرای این پروژه تسریع و تسهیل دستیابی زنان روستایی و عشایری به منابع مالی و اعتباری از طریق مشارکت در تامین سرمایه و مدیریت مالی و اجرایی آن بوده است. اما تجارب حاصل از اجرای این پروژه و درس های آموخته از آن، به مراتب بیشتر و فراتر از اهداف تعیین شده است و آن چه در خلال این پروژه اتفاق افتاد را می توان از زوایای مختلف اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار داد. نویسنده کتاب "روایتی از یک تغییر" پژوهشگر اجتماعی است و با روش های کیفی و تکنیک های مشارکتی آشنایی داشته و تلاش نموده تا از دریچه یک راوی به فرایند تشکیل صندوق های اعتبارات خرد نگاه کند. راوی از نخستین روزهای

اجرای پروژه با آن همراه بود و در تدوین مباحث نظری و ارائه راه کارهای های عملی و اجرایی صندوق های اعتبارات خرد حضور فعالی داشته است، در این کتاب آنچه را در خلال این سال ها و در ارتباط تنگاتنگ با جامعه محلی به ویژه زنان روستایی و عشایری شاهد بوده است به رشته تحریر درآورده است. آن چه در این مجموعه می خوانید نه فقط اتفاقات یک پروژه، که زندگی روزمره گروهی است که قرار است برای تغییر، نقشی را ایفا کنند، باهم همفکری کنند، مسئله طرح کنند و به راه حل دست یابند. گروهی که باید دور هم بنشینند، همدیگر را بپذیرند، به هم اعتماد کنند، همه را در یک سطح ببینند، تا به این ترتیب فضا و فرصت گفتگو و تغییر ایجاد شود. تجربه ای که چندان آسان و به سادگی به دست نمی آید. اما هنگامی که مورد پذیرش جمع قرار گیرد بسیار با ارزش و با دوام است و ثبت و ضبط آن می تواند تلبوی نشدن ها و نتوانستن ها را بشکند و راه مشارکت جویی، توان افزایی و آگاهی بخشی را هموار نماید.

از این رو لازم می دانم انتشارش های ارزنده جناب آقای عباس رحیمی که با قلمی زیبا و روان، دیده ها، شنیده ها و دریافت خود را روایت کرده است، صمیمانه تشکرو سپاسگزاری کنم. بدون تردید این اقدام، گام بزرگی است در جهت مدیریت دانش و مستند سازی آنچه که در نوع خود تجربه ای منحصر بفرد، خاص این پروژه و مختص این اجتماع بوده است. چیزی که در لابلای کتابها، اسناد و مدارک دیگران یافت نمی شود. رخدادهایی که اگران زبان شاهدان آن روایت نشود، هیچ کس امکان دسترسی به آن ها را ندارد.

فروغ السادات بنی هاشم

مشاور وزیر و مدیر کل دفتر امور زنان روستایی و عشایری

همواره رجوع به گذشته و بازاندیشی در مورد آن، از منابع اصلی خرد ورزی است. تحلیل و بازنگری بر رویدادها و روندها و تحولات گذشته، همیشه از اصلی ترین دلایل رشد و باروری تمدن جوامع بشری بوده است. بازنگری و بازاندیشی پیرامون تجارب پیشین هم در سطح فردی، اجتماعی، ملی و بین المللی همیشه از اصلی ترین راه های انباشت خرد جمعی و بلوغ بشری بوده و از همین مسیر عملاً اندیشه های نوین پا به عرصه وجود گذاشته است. مناسبانه این شیوه نگرش به گذشته و مهارت بازنگری به گذشته بعنوان چراغی بر آینده، در چند قرن گذشته و در مشرق زمین به بوته فراموشی سپرده شده و ملت های مشرق زمین کمتر به بازاندیشی و مفهوم سازی مجدد از تجارب تاریخی گذشته خود بهره برده اند. بخشی از این معضل بدلیل روزمره گی و بخشی به دلیل ضعف عنصر تفکر انتقادی و گاهی خودشیفتگی قومی و فرهنگی بوده است. برخی ناکامی های مقطعی و شکست های تاریخی در مقایسه با جوامع غربی ما را به بازنگری سطحی و مقایسه ای واداشته اما عمق کافی جهت بازاندیشی و برون رفت از حصارهای غرور آمیز

و نامرعی* ادراکی* ما نشده است. از همین رو سال ها و گاهاً قرن ها در شرایط ایستا مانده و موفق به رهایی از موانع رشد خود نشده ایم.

در نیم قرن اخیر دانشگاهیان و متفکرانی که بفکر اصلاح روشهای نظری علمی بوده اند یا را فراتر گذاشته و بدنبال روشهایی بوده اند که بصورت مستمر بتوانند شیوه عمل و اجرا را از تحلیل منطقی دستاوردهای گذشته متأثر سازند. این روش شناسی، که به تدریج در زمینه آموزش، اصلاحات اجتماعی و توسعه جوامع محلی تکامل بیشتری یافته است اصطلاحاً اقدام پژوهشی یا "Action Research" نام گرفته است. این روش شناسی در تعداد معدودی از دانشگاه های جهان در سی سال پیش آغاز شده و به تدریج رواج یافته است. زمانی که در سال ۱۹۹۵ میلادی پایان نامه دکتری خود را در استرالیا با این روش شناسی انجام داده و به ایران بازگشتم، ارایه و معرفی این روش شناسی تعجب بسیاری از همکاران دانشگاهی و تحقیقاتی را برانگیخت. اما دیری، نپایید که با اجرای عملی آن در مرکز تحقیقات روستایی و نزدیک نمودن محققین جوان با جامعه روستایی ایران تلاشی فشرده را برای درک بهتر از مشکلات به همراه بهبود شرایط مردم محلی را به همراه داشت. گذشته از کلیه مشکلات و معضلاتی که به دلیل نوبا بودن این متدولوژی وجود داشت، تحول جدی در شیوه نگرش محققین و نزدیک شدن آنان با مشکلات مردم محلی به کمک شیوه های مشارکتی پدید آمد. چند سال بعد در مسئولیت معاونت اجتماعی وزارت جهاد کشاورزی از همکاران پژوهشی مرکز تحقیقات روستایی خواستم تا یافته ها و مهارت های پژوهشی خود را در جهت توسعه و تعمیق صندوق های اعتباری خرد زنان روستایی به کار گیرند.

نوشته حاضر، بخشی از روایت ایجاد صندوق های اعتبارات خرد زنان

روستایی است، که به زبانی ساده و از سوی محققى به رشته تحریر درآمده است که هم زمان فعالیت خود را پس از فارغ التحصیلی رشته اقتصاد در مرکز تحقیقات روستایی آغاز نمود. این روایت، روایت یک تغییر است، تغییری کیفی در شیوه نگرش و کنش تعاملی با جهان پیرامون، تغییری نه تنها در جهان خارج بلکه روایتی از تغییر در شخصیت یک محقق که حاصل تعاملی است در چارچوب ادراکی نوین از مفهوم پژوهش و نقش پژوهشگر. نگرش در قالب روایت ساده و آمیخته با خاطرات، شکلی شیرین و محتوایی آموزنده به کتاب داده است. به خوبی میتوان دستاوردهای فردی و آموزه های تجربی نویسنده را در لابلای روایت تحولات اجرایی شاهد بود. یکی از برجستگی های این شیوه تحقیق (اقدام پژوهی) در کنار بهبود و تغییر شیوه زندگی مردم محلی، همانا تکامل فکری و مهارت محقق در درک عمیق تر و تجربی از رویدادهای اجتماعی جامعه مورد تحقیق می باشد. همین امر باور عمیق تری در نویسنده نسبت به سهم و نقش مردم محلی در حل مشکلاتشان می بخشد و رابطه محقق را با مردم محلی به شدت تعمیق می بخشد. همین امر عملاً باعث می گردد محقق بصورت یک تسهیل گر بطور مستمر مردم محلی را در تصمیم گیری سریک ساخته و مفهوم واقعی مشارکت مردم محلی و تاثیر جادویی آنرا عملاً حس کند. اینگونه پروژه ها بطور نسبی در ابتدا سرعت پیشرفت فیزیکی زیادی ندارند اما اعتماد و عمق زیادی یافته و عملاً ماندگاری و پایداری این پروژه ها بسیار بیشتر از پروژه های توسعه اجتماعی متداول دولتی و گذرا می باشد.

این روایت، که شاید در اولین برخورد صرفاً حاوی خاطرات شغلی یک پژوهشگر بنظر بیاید، به خوبی نشان می دهد که با به کار بستن روش های مختلف اقدام پژوهی مشارکتی*، بخصوص با مهارت تسهیل گری، میتوان

نه تنها جوامع محلی را در بهبود شرایط زندگانی روزمره اشان به شکل پایدار یاری رسانید، بلکه محققین نیز خود جزیی از فرآیند تحقیق شده و به تکامل مهارتی و پژوهشی و حتی رضایتمندی و استغنای حرفه ای خود دست میابند. با تغییر در شیوه نگرش به مردم محلی و تحلیل شرایط نه تنها مردم محلی دیگر بخشی از مشکل نیستند بلکه خود اصلی ترین بخش راه حل به شمار می آیند. این روایت پژوهشی مردم مدار، نه تنها بازگو کننده دستاوردهای یک پژوهشگر کنشگر است بلکه بیان کننده این واقعیت می باشد که چگونه زنان روستایی که از محروم ترین اقشار جوامع روستایی به شمار می آیند، می توانند به بهبود شرایط خود همت گماشته و زندگی خود، خانواده و جامعه خود را به صورت مستمر ابعاد اقتصادی و اجتماعی بهبود دهند. این روایت به وضوح نشان میدهد که چگونه می توان با اندکی سرمایه اقتصادی ولی با درایت و ملحوظ نمودن نقش مردم محلی، ثروت اجتماعی نهفته را به کمک گرفت و رابطه یکسویه ملت و دولت را که صرفاً بر پایه کمک مالی یکسویه استوار شده است را بهبود و به صورت دو طرفه سامان داد.

اعتماد و گوش دادن به نیاز مردم و تفسیر آنچه می شنویم از سوی خود مردم می تواند به سادگی گفتمان با مردم محلی را بهبود بخشیده و اثر بخشی تحول و توسعه جوامع محلی را سرعت دهد. تحول در شیوه نگرش محققین به مردم محلی و اصلاح روش های پژوهشی ابتدایی ترین اصولی است که می بایست مد نظر قرار گیرد تا رابطه از هم گسسته مردم و امدادگران توسعه را بهبود دهد. اصلاحی که محقق خود تنها یک تسهیل گر بوده و مردم سکان اصلی تحول را بر عهده می گیرند.

این روایت ساده و دلنشین ما را به فکر *تغییر* در *روایت تغییر* جوامع

محلی وامیدارد. در شرایط کنونی جهان که؛ دولت ها از همیشه تهی دست ترند و مردم از همیشه آگاه تر، باید تغییر جدی در شیوه نگرش و تعامل با جوامع محلی داده شود. تغییری اصولی در نگرش و نقش دولت ها و کنشگرانی که به جد به دنبال بهبود پایدار و پایداری توسعه محلی هستند. تا مردم محلی خود با بهره گیری از ثروت اجتماعی، مدیریت مبارزه با فقر و حفظ منابع را بر عهده گیرند.

دهم بهمن ماه ۱۳۹۳

اسکاتلند

۱۳

مشاور بین المللی توسعه روستایی و کشاورزی

Mohammad H. Emadi (PhD)

International Agricultural Policy Advisor,

www.ketab.ir